

مرجعیت و استقلال اقتصادی

مرجعیت شیعی همواره مدافع منافع ملی و استقلال اقتصادی ایران زمین به شمار می‌رفته است. مراجع در طول تاریخ ایران زمین همواره از تولیدات داخلی استفاده می‌کردند به گونه‌ای که حتی مرحوم مجلسی رحمه‌الله در مقام شیخ الاسلامی از پارچه‌ها و کرباس داخلی استفاده و علمایی چون مرحوم بافقی به جای مصرف قند بیگانگان، از کشمش استفاده می‌کرده است. تحریم قند و چای بیگانگان از سوی آیت‌الله سید

جناب رکن‌الملک متعهد و ملتزم شرعی شده‌ایم مهمانکن [تا آن‌جا که ممکن است] بعد ذلک تخلف ننماییم. فعلاً پنج فقره است: اولاً قبایجات و احکام شرعیه از شنبه به بعد باید روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر نویسنده مهر ننموده، اعتراف نمی‌نویسیم. قبالة و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند، [اگر] تاریخ آن بعد از این قرار باشد، امضا نمی‌نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم. ماها به این روش متعهدیم. ثانیاً، کفن

[همین طور خواهند کرد] و متخلف، توقع احترام از ماها را نداشته باشد. آنچه از سابق پوشیده داریم و دوخته ممنوع نیست استعمال آن. رابعاً مهمانی‌ها بعد ذلک و لواعیانی باشد، چه عامه چه خاصه، باید منحصر باشد به یک پلو و یک خورش و یک افشیره [آب میوه]. اگر زاید بر این کسی تکلف دهد، ماها را به محضر خود وعده نگیرد. خودمان نیز به همین روش مهمانی می‌نماییم. هرچه کم‌تر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود. خامساً،

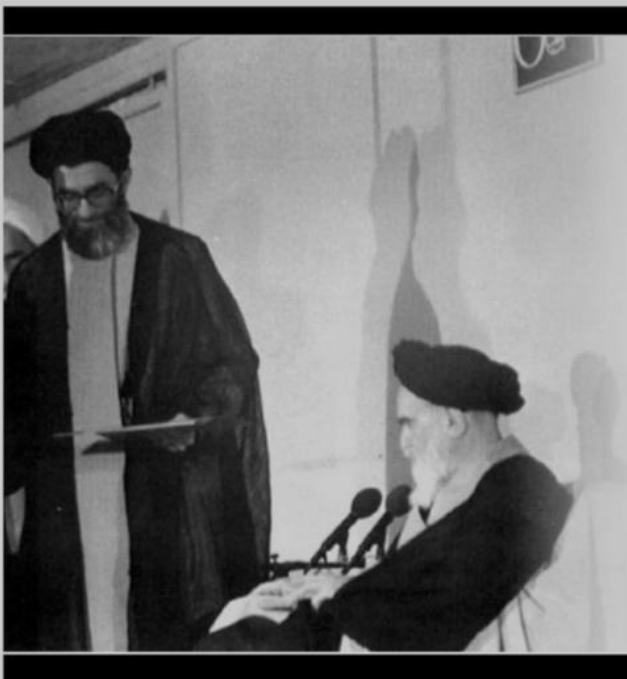
شغلی آن، محسوس و مسری است و خانواده‌ها و ممالک را به باد داده. بعد از این هر که را فهمیده‌ایم و افوری است، به نظر توهین و خفت می‌نگریم. حجت الاسلام آقاجانی، ثقة الاسلام حاجی آقا نورالله، حسین بن جعفر فشارکی، شیخ مرتضی دیزی، رکن الملک، محمدتقی مدرس، سید محمدباقر بروجرودی، حاجی میرزا محمد مهدی جویبارهای، حاجی سید ابوالقاسم زنجانی، محمدجواد قزوینی.^(۱)

مرجعیت و دفاع از عزت و غیرت

دینی

دفاع مرجعیت از عزت و غیرت دینی و ملی این سرزمین، در حقیقت دفاع از آموزه‌های قرآنی و اخلاقی بوده است. نقبی به تاریخ ایران زمین گویای این واقعیت است که هرگاه عزت و غیرت مردم مسلمان ایران جریحه دار شده است، نهاد مرجعیت بوده که پا به میدان نهاده و همه هستی خود را فدای مکتب اسلام و مردم ایران نموده است.

در عصر فتحعلی شاه، دست‌گیری زنان گرجی، که ایرانیان آنان را به همسری برگزیده و از آنان دارای فرزند بودند، توسط سفارت روس و به دستور وزیر مختار گریبادوف، غیرت «میرزا مسیح مجتهد» عالم طراز اول تهران را به جوش آورد و پیگیری آزادی آنان از سفارت روس شد. گریبادوف بر بازگرداندن زنان به خارج از ایران پافشاری کرد. از این‌رو، میرزا مسیح مجتهد فتوای دستور آزادی زنان از سفارت به هر قیمتی را صادر کرد. مردم غیرتمند تهران، به فتوای عالم خود روز چهارشنبه ششم شعبان ۱۱/۱۲۴۴ فوریه ۱۸۲۹ کسب و کار خود را تعطیل و در مسجد جامع شهر جمع شدند و سپس به طرف سفارت روس حرکت کردند. در این حرکت، نوجوانی چهارده ساله توسط گلوله‌های نیروهای سفارت روس کشته شد. مردم وی را به مسجد بازگرداندند و به گردوی مشغول عزاداری شدند و سپس به سوی سفارت‌خانه بازگشتند. فتحعلی شاه باخبر شد و نیروهایی را برای حفاظت از سفارت روس گسیل داشت. مردم از سد نیروهای فتحعلی شاه گذشتند و نبردی



مرجعیت
گلوآزاد آهش واهنیت

وافوری و اهل و افور را احترام نمی‌کنیم و به منزل او نمی‌رویم، زیرا که آیات باهره «ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين» [تبدیل‌کنندگان برادران شیاطین به شمار می‌آیند. اسراء: ۲۷] «ولا تسرفوا انه لایحب الشياطين» [اسراف نکنید که خداوند اسرافکاران را دوست ندارد. انعام: ۱۴۱] «ولا تلقوا بأیدیکم الی التهلكه» [یادستان خود، خود را هلاک نکنید. بقره: ۱۹۵] و حدیث لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام، حکمی که زیان‌آور باشد، در اسلام جعل نشده است. [من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۳] ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عرضی و

اموات، اگر از غیر کرباس و پارچه اردستانی پارچه‌های ایرانی باشد، متعهد شده‌ایم بر آن میت نماز نخوانیم، دیگری را برای اقامه صلات بر آن میت بخواهند [و] ما را معاف دارند. ثالثاً، ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می‌شود، قرار دادیم مهمانکن هر چه بدلی آن در ایران یافت می‌شود، لباس خودمان را از آن منسوج نمانیم. منسوج غیر ایرانی را نپوشیم و احتیاط نمی‌کنیم و حرام نمی‌دانیم لباس‌های غیر ایرانی را، اما ماها ملتزم شده‌ایم حتی المقدور بعد از این تاریخ ملبوس خود را از نسخ [افت] ایرانی بدوزیم. تابعین ماها نیز کذلک

عبدالحسین لاری با هدف فشار بر اشغال‌گران خارجی را می‌توان، هوشمندی نهاد مرجعیت در استفاده از اقتصاد به عنوان اهرمی سیاسی بر علیه بیگانگان به شمار آورد. اعلامیه ماندگار حجت الاسلام آقاجانی، حاج آقا نورالله اصفهانی، آیت‌الله فشارکی به همراه ده تن دیگر از علمای اصفهان در دفاع از منسوجات و تولیدات داخلی، نشان از اهتمام مقام مرجعیت و علمای اسلام در دفاع از استقلال اقتصادی ایران زمین و حمایت از تولیدکنندگان داخلی دارد. متن اعلامیه به این شرح است: «این خدام شریعت مطهره با همراهی

سنگین بین مردم، که به سلاح‌های سرد مسلح بودند، با نیروهای روسی که به سلاح‌های گرم و مرکب‌ار مسلح بودند در گرفت. مردم غیرتمند با دادن هشتاد شهید، تن از نیروهای سفارت روس از جمله گریادوف را از دم تیغ گذراندند و زنان را که مظهر ناموس ملت به شمار می‌رفتند آزاد کردند. در این واقعه تنها مائتسوف دبیر اول سفارت روس توانست از معرکه جان سالم بدر برد. فتحعلی شاه برای فرو نشاندن خشم دولت روس، هیأت‌هایی را به روس فرستاد و میرزا مسیح مجتهد را تبعید کرد.^(۲) ترویج بی‌غیرتی و توطئه کشف حجاب توسط رضاخان، که در حقیقت انکار ضروریات دین اسلام بود، موجب رویارویی مراجع تقلید و علمای تشیع گردید و واکنش آیت‌الله حاج حسین قمی در برابر این جمله بود: «امروز اسلام فدایی می‌خواهد. بر مردم است که قیام کنند»^(۳) قیام مردم غیرتمند مشهد در برابر توطئه کشف حجاب، به قیام مسجد گوهرشاد از سوی مردم و به گلوله بسته شدن مردم در حرم امام رضا علیه السلام و شهادت صدها تن از مردم انجامید. حضرت آیه‌الله خوانساری نیز در مقابل دولت سرسپرده بیگانگان فتوایی بدین گونه صادر کرد: «حرمت کشف حجاب به نحوی که امروزه در پایتخت تداوم دارد، علاوه بر آن که حرمت قطعی دارد، از علمایی مثل صاحب جواهر - اعلی الله مقامه - که اول متبحر در فقه است، بر آن دعوی ضروری دین شده است که منکرش کافر و نجس است و جلوگیری از آن هم از بابت نهی از منکر بر تمام افراد واجب است و تمام هم مقصر و مسؤولند در افعال نسبت به این فریضه»^(۴)

مرجعیت و رویارویی با کفر جهانی

آغاز دوران مرجعیت امام خمینی رحمه الله، مصادف با دوره‌ای بود که این بار همه استعمارگران و استثمارگران به همراه دست نشانندگان داخلی در ائتلافی نامقدس تنها راه دستیابی به منافع و منابع جهان اسلام را در نابودی اسلام و تحقیر و توهین به مقدسات و کشتن روح ایمان و اعتقاد در نهاد مسلمانان جستجو می‌کردند. دورانی که مبارزه با اسلام با ابزارهای نوین دنبال و مرجعیت در مقابل

پدیده‌ای روبرو می‌شود که نامی جز «کفر جهانی» نمی‌توان بر آن نهاد. با پیروزی جبهه موحدان به رهبری امام خمینی رحمه الله، کفر جهانی به شیوه‌های نوین تری وارد عمل می‌شود اینجاست که تمام جهان کفر با بهره‌گیری از شعارها و نهادهای بین‌المللی، وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نشانه می‌رود. امام خمینی بدون در نظر گرفتن معادلات جهانی و پیامدهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی برای ایران، تنها در جهان کفر و الحاد دستور قتل توهین کننده به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را صادر می‌کند. متن فتوای حضرت امام که در تاریخ ۲۵ بهمن ۷/۱۳۶۷ رجب ۱۴۰۹ صادر شد بدین شرح است:

باسمه تعالی
انالله و نالیله راجعون

هیچ یک از فتوای مراجع تقلید قابل مقایسه نیست. این فتوا جهان کفر را تا پشت دروازه‌های خود به عقب راند. جهان کفری که امروز نیز با طرفین و شیوه‌ها نوین تر و با چهره‌های موجه‌تری به رویارویی با اسلام و مرجعیت برخاسته است.

مرجعیت کلاوژ امنیت

مرجعیت تنها نهاد پاسخگو به پرسش‌های فقهی و دینی مردم و نیز پاسخگو به شبهات شبهه‌آفرینان و رایت استقلال و نماد غیرت و غرور به شمار نمی‌رود بلکه از منظری دیگر، نهاد مرجعیت کمر بند امنیت جامعه و مایه آرامش برای احاد مردم است. وجود چنین نهادی از شکل‌گیری جریان‌های انحرافی و التقاطی و نیز محفل‌های خشونت طلب جلوگیری می‌کند. نهاد مرجعیت، نهادی است که از



اجتهاد به رأی در جامعه که موجب تشت و اختلاف در برداشتها و رفتارها می‌گردد، جلوگیری می‌کند و جامعه را به سوی جامعه‌ای منسجم، هم‌تافته و سامان یافته سوق می‌دهد. بی شک کسانی که در صدد تضعیف نهاد مرجعیت گام بر می‌دارند، نه تنها در صدد محروم کردن جامعه از رایت استقلال، نماد استبداد ستیزی، سد پولادین در برابر هجوم بیگانگان، سنبل استقلال سیاسی و اقتصادی و تندیس غیرت دینی و غرور ملی گام برمی‌دارند، بلکه برآنند تا جامعه را به سوی تشتت، از هم گسیختگی و حاکمیت خشونت سوق دهند. کسانی به خاطر مطامع سیاسی و مقطعی خود در آستانه انتخابات خبرگان صراحتاً اعلام کردند «همه مردم مجتهدند»، آنانی که به خاطر نگرش سطحی خود و خلط مباحث چنین نگاشتند «فتوای فقیهان معاصر که

از علوم انسانی جدید بی‌بهره‌اند، در مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی سخت مشکوک است و به کار زندگی در قرون ماضیه می‌آید»^(۶)

آنانی که با مطلق کردن خردگرایی و خردورزی بر اجتهاد به رأی جوانان صحنه گذاشتند و با تحریک قشر جوان مبنی بر انتخاب سرنوشت از سوی خود، در صدد جدا کردن جوانان از مرجعیت شیعی برآمدند سرانجام، آنانی که مقدسین مراجع را به زشت‌ترین واژه‌ها خطاب کردند، دانسته و یا نادانسته مروج و خشونت و تنش و فروپاشی امنیت و آرامش جامعه هستند. هر چند که در شعار، خود را ضد خشونت و مخالفین خود را مروجان اسلام خشونتی بنامند. این طیف با چنین رویکردی دانسته و نادانسته به مردم و بویژه جوانان را به سوی اجتهاد به رأی و استنباط و اخذ احکام از قرآن و متون روایی فرامی‌خوانند. بدیهی است تمام آیات و روایات ناظر بر احکام عبادی نبوده و نیست، مردم و جوانان در برخورد با آیات و روایات جمادی و عملی کردن آنان در متن زندگی خود به برداشتهایی دست می‌یازند که محملی برای گروه‌های محفلی و مجوزی برای قتل و ترور در جامعه خواهد بود مگر نه این که شکل‌گیری گروه‌های چون، گروه مهدی هاشمی، گروه فرقان، گروه مهدویت، و حتی ترور سعید مجاریان را نمی‌توان اجتهاد به رأی برخی جوانان احساسی بر شمرده که با گریز از دایره مرز تقلید، خود به استنباط آیات و روایات پرداختند. به راستی چه کسانی مروج خشونتند؟ از تضعیف مرجعیت و ولایت فقیه چه هدفی دنبال می‌کند؟ و خشونت طلبان و مخالفان واقعی امنیت و آرامش در جامعه چه کسانی هستند؟!

پی‌نوشت‌ها

۱. حسن ابراهیم زاده، پیروی خضر خرد، ص ۹۱ و ۹۲
۲. رک: غلامرضا گلی‌زواره، میرزاسبح مجتهد، فتوای شرف، ص ۱۱۰، ۱۳۳
۳. محمدباقر بوزرجمنی، حاج آقا حسین قمی، قامت قیام، ص ۱۰۶
۴. حسن آیدرم، سیدمحمدتقی خوانساری، بر چشمه‌ساران حضور، ص ۱۰۶
۵. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۶۳
۶. عبدالکریم سروش، مجله کیان، شماره ۴۵، ویژه‌نامه دین مدارا و خشنوت، ص ۳۷